

روش‌شناسی معاجم عربی.....

احمد شفیعی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

مقدمه

زبان عربی یکی از زبانهای زنده دنیا و زبان دین اسلام است. اعراب قبل از اسلام توجه خاصی به زبان خویش داشتند، ولی با ظهور اسلام نظر به اینکه زبان عربی، زبان قرآن و دین اسلام و کلام رسول خدا قرار گرفت و «لسان عربی مبین» نامیده شد و می‌رفت که اوج مجد و عظمت را تجربه کند، اهتمام آنان به زبان عرب را دو چندان نمود. بدین جهت دانشمندان اسلامی به بیان قواعد و تنظیم اصول و تبیین مفردات و ضبط کلمات آن تحریض و ترغیب شده و به آن همت گماردند تا ضمن حفظ کردنش از هر گونه خطر، آن را وسیله‌ای برای آشنایی با معارف اسلامی و انسانی و جلوه‌ای از تمدن اسلامی قرار دهند.

نظر به اقبال فراوان اقوام و ملل گوناگون به اسلام و مهاجرت آنان به جزیره العرب و التقاط اقوام و گروههای ناهم زبان، تعاطی الفاظ و تفهیم و تفهم متقابل امری اجتناب‌ناپذیر بود و خطر ورود الفاظ دخیل و یا به کار بردن کلمات در غیر معنی معهود، زبان عربی را تهدید می‌کرد. علاوه بر اینکه فهم دقیق برخی کلمات که در قرآن آمده بود و یا بعضی کلماتی که رسول خدا آنها را به کار می‌برد، برای عموم مشکل می‌نمود. از سویی اشتقاق در کلمات و ظهور الفاظ جدید با معانی خاص و نیز تعدد معنا برای یک واژه، مسأله دیگری بود که به صورت طبیعی رخ می‌نمود.

همه اینها باعث شد که رویکرد ضبط و فهم و تبیین کلمات عرب و پالایش آنها از کلمات معزب و دخیل در میان لغویون فزونی گیرد و مساعی خویش را در این راه مصروف دارند تا از یک سو به وظیفه خود در حفاظت لفظی و معنوی قرآن و روایات عمل کنند و از سوی دیگر مسیر فهم و درک صحیح آن دو را برای آیندگان هموار سازند.

مسلمانان اهل تحقیق و درک و فهم با مراجعه به متخصصان لغت تلاش می‌کردند کلمات نامفهوم را بر خود مفهوم سازند و به درک واقعی الفاظ وحی نائل شوند ولی این شیوه مشکلات و هزینه فراوانی را برای اهل تحقیق به دنبال داشت. اینجا بود که لغویون مسلمان بر آن شدند کلمات عرب را در مجموعه‌ای گردآورند تا گره از کار اهل تحقیق بگشایند. نتیجه آن شد که کتابهای فراوان به نام معجم‌های عربی با اسلوب و شیوه خاص تألیف گردید که امروزه به عنوان میراث گرانبهای پیشینیان در اختیار ماست.

بدیهی است برای فهم صحیح و دقیق معنای هر کلام و کلمه‌ای، پی بردن به کاربرد مفهومی آن لفظ در عصر تدوین اثر، ضروری است. بدین جهت برداشت صحیح از کلام وحی و متون پیشینیان، ما را بر آن می‌دارد که کاربرد معنوی الفاظ در زمان تکوین اثر را بشناسیم تا از خطای در مفهوم و برداشت مصون بمانیم. یکی از راههای سازنده و اعتمادآفرین در این مسیر مراجعه به کتب لغت است به ویژه معجماتی که در عصر اثر مورد نظر تدوین و گردآوری شده یا دست کم قرابت زمانی با آن دارد.

نظر به اینکه هر یک از معاجم عربی با اسلوب و شیوه خاص تنظیم شده است آشنایی به شیوه تنظیم و ترتیب کتاب و نیز روش کشف کلمات در آن امری ضروری است. ما در این مقال بر آنیم برخی از شیوه‌های عمده‌ای که در معاجم عربی (عربی به عربی) به خدمت گرفته شده تبیین نماییم به امید آنکه برای اهل تحقیق و معنا راهگشا باشد. بدیهی است بحث تاریخ معجم نگاری و یا ارزش گذاری معجمات موجود و توصیف اختصاصات و ویژگیهای آنها مسأله‌ای است که مجال دیگری می‌طلبد و مقصود این مقال نیست.

روشهای معاجم عربی

در تاریخ علمی مسلمین از آغاز تا کنون شیوه‌های گوناگونی در تنظیم معجم‌های کلمات زبان عربی مد نظر قرار گرفته است. گاهی برخی شیوه‌ها چنان مورد توجه واقع شده‌اند که

به مکتب یا مدرسه مبدع آن شیوه، شهرت یافته‌اند و گروهی از دانشمندان به آن طریق تأسی کرده و حتی خود نیز بر اساس آن شیوه کتاب تألیف نموده‌اند. در یک نگاه کلی می‌توان معجمات عربی را به دو دسته تقسیم کرد.

اول معاجمی که بر مبنای ترتیب حروف اصلی کلمات تنظیم یافته‌اند.

دیگر، معجم‌هایی که بر مبنای تلفظ کلمات مرتب شده‌اند.

۱. بر مبنای حروف اصلی کلمات:

در معجم‌هایی که تنظیم کلمات بر اساس حروف اصلی سامان یافته است دو نوع ترتیب به چشم می‌خورد؛ در بعضی از آنها ترتیب حروف بر اساس موسیقی و مخارج حروف است که آن را «ترتیب تجویدی» می‌نامیم و برخی بر اساس ترتیب حروف الفبای عربی تنظیم شده‌اند که به «ترتیب هجایی» شناخته می‌شوند.

۱-۱. ترتیب تجویدی:

منظور از ترتیب تجویدی آن است که حروف الفبا بر اساس مخرج صوتی تنظیم می‌شوند، به دیگر سخن، نحوه چینش به گونه‌ای است که از حروف حلقی آغاز شده و به حروف شَفْهَی (لب) ختم می‌شود. نسل اول معجم‌های عربی اغلب به این شیوه تنظیم شده‌اند. مؤسس این شیوه را خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ - ۱۰۰ ه. ق.) دانسته‌اند که در قرن دوم می‌زیسته است. او به جهت برخورداری از ذهن ریاضی قوی و هوش سرشار و نیز علاقمندی به ذوق موسیقی و نغمه، مخارج حروف را برای تنظیم کتاب خویش برگزید و پس از او کسانی مثل ازهری (۳۷۰ - ۲۸۲ ه. ق.) در کتاب التهذیب و ابو علی القالی (۳۵۶ - ۲۸۸ ه. ق.) در کتاب البارع و صاحب ابن عباد (۳۸۵ - ۳۲۶ ه. ق.) در کتاب المحيط به طور کامل شیوه وی را اتخاذ کردند؛ چه اینکه ابن درید (۳۲۱ - ۲۲۳ ه. ق.) نیز در جمهرة اللغة بخشی از این شیوه را برگزیده است.

کتاب العین: کتاب العین که در میانه قرن دوم هجری از سوی اُبی عبدالرحمن النخلیل بن احمد الفراهیدی (۱۷۵ - ۱۰۰ ه. ق.) تألیف شده است در زمره اولین معجم‌های عربی به حساب می‌آید که کلمات در آن بر اساس ترتیب تجویدی حروف سامان یافته است. او زیر مجموعه معجمش را با توجه به حروف زبان عربی عنوان «کتاب» قرار می‌دهد و برای زیر

مجموعه کتاب، عنوان «باب» را بر می‌گزینند و کلمات را ذیل باب جای می‌دهد. از آنجا که او حرف عین را به عنوان اولین حرف تجوید می‌داند، کتاب اول را به کتاب العین نام می‌نهد که حدود نیمی از معجم را در بر می‌گیرد و به همین جهت از باب برائت استهلال نام العین را برای کل معجم انتخاب می‌کند.

کتاب العین بر اساس حروف تجوید، به ترتیب از حروف حلقی به حروف شفهی به صورت زیر تنظیم می‌شود، علاوه اینکه حروف عله و حرف همزه در آخر آورده شده‌اند:

ع ح ه خ غ - ق ک - ج ش ض - ص س ز - ط د ت - ظ ث ذ - ر د ن - ف ب م - و ای همزه

در نظام خلیل، حروف اصلی کلمات مینا بوده و حروف زاید مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به همین جهت مجموعه معجم به تعداد حروف فوق به کتابهایی تقسیم می‌شود که از کتاب العین آغاز شده و به کتاب الهمزه ختم می‌شود.

ذیل هر کتاب نیز با توجه به اینکه کلمات در زبان عربی به سه قسم ثلاثی، رباعی و خماسی تقسیم می‌شوند و ثلاثی‌ها نیز مضاعف و صحیح و معتل و لقیف دارند، شش باب وجود دارد.

۱. باب الثنایی المشدد ثانیه (مضاعف)؛ ۲. باب الثلاثی الصحیح؛ ۳. باب الثلاثی المعتل؛
۴. باب اللقیف؛ ۵. باب الرباعی؛ ۶. باب الخماسی.

باب ثنایی شامل کلماتی می‌شود که حرف اول آنها (فاء الفعل) بیانگر کتاب است و حرف دوم آن (عین الفعل) همراه با لام الفعل به صورت مشدد خواهد بود. بنابراین کتاب العین از عَقَّ و عَكَّ شروع شده و به عَمَّ ختم می‌شود. لازم به ذکر است که ذیل هر یک از کلمات یاد شده علاوه بر بیان معنی خود کلمه، حروف آن جابجاشده (مقلوب) و معانی آن کلمات نیز آمده است؛ به عنوان مثال بعد از بیان معنی «عَقَّ»، کلمه «قَعَّ» نیز ذکر شده و معنی آن را آورده است، همانگونه که بعد از کلمه «عَكَّ»، کلمه «كَعَّ» و نیز بعد از کلمه «عَمَّ»، کلمه «مَعَّ» را نیز معنی کرده است.

در باب ثلاثی کلماتی قرار می‌گیرند که فاء الفعل آنها یکی از حروف یاد شده فوق با عنوان کتاب بوده و دو حرف دیگرش نیز بر اساس ترتیب بالا به همراهش خواهد بود. در این باب وقتی کلمه مورد نظر بر مبنای حروف اصلی معنا می‌شود، در ذیل آن کلماتی را می‌آورد که با جابجایی حروف کلمه مورد بحث به دست می‌آیند. بدیهی است که در مجموع با خود

کلمه اصلی حداکثر شش کلمه خواهند شد. به عنوان مثال وقتی معنای کلمه «عَقَر» را بیان نمود، به دنبالش کلمات (عرق - قرع - قعر - رقع - رقع) را نیز معنا می‌کند. البته امکان دارد ذیل هر کلمه هر شش قسم آن در زبان عربی کاربرد نداشته باشد و برخی از آنها مهمل باشد و از آنجا که کلمات مهمل در زبان عربی کاربرد ندارد طبیعی است در معجم آورده نمی‌شوند. در باب رباعی نیز بعد از بیان معنای هر کلمه بر مبنای حروف یاد شده ذیل آن کلمات دیگری که با جابجایی حروف کلمه مورد بحث به دست می‌آیند، ذکر شده و معنا می‌شوند که در این صورت حداکثر کلمات زیر مجموعه آن ۲۴ کلمه خواهد شد در حالی که بسیاری از آنها مهمل بوده و آورده نمی‌شوند.

در باب خماسی نیز مثل ابواب ثلاثی و رباعی عمل می‌شود و در این صورت مجموعه ریاضی کلمات ۱۲۰ عدد خواهد بود. بدیهی است بسیاری از آنها مهمل بوده و ذکر نمی‌شوند. کشف کلمه در العین: برای کشف یک کلمه در کتاب العین باید موارد زیر را به ترتیب عمل نمود:

۱. ترتیب حروف بر اساس مخرج صوتی، به گونه‌ای که قبلاً آورده شد، حفظ شود.
۲. حروف زاید کلمه حذف گردیده و حروف اصلی آن شناسایی شود به عنوان مثال کلمه «لمعان» در باب ثلاثی با حروف اصلی (ل - م - ع) قرار دارد و کلمه «تعاطف» در باب ثلاثی با حروف اصلی (ع - ط - ف) خواهد بود، چنانکه کلمه «قرعبلانه» در باب خماسی با حروف اصلی (ق - ر - ع - ب - ل) قرار می‌گیرد.
۳. اگر حرف عله در بین کلمه مورد نظر وجود داشت باید آن را به اصل خویش برگرداند مثلاً کلمات «عطیه» در حروف اصلی (ع - ط - و) و «میعاد» در حروف اصلی (و - ع - د) قرار می‌گیرند.
۴. بعد از شناسایی حروف اصلی، آنگاه توجه شود که اگر حرف عین در بین حروف اصلی وجود دارد آن کلمه را باید در کتاب العین یا باب العین جست‌وجو نمود سپس با نظر به دو حرف دیگر ضمن حفظ ترتیب تجویدی یاد شده حرفی که بعد از حرف عین قرار گرفته مورد توجه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال اگر حروف اصلی کلمه‌ای (س - ل - ع) باشد باید به باب العین مراجعه نمود و از آنجا که حرف سین در ترتیب بالا نسبت به حرف لام نزدیکتر به حرف عین است باید سراغ باب العین و السین و اللام معها رفت و آن را پیدا نمود.

جزء الأول: الالف و الباء و التاء و الثاء و الجيم

جزء الثاني: حرف الحاء

جزء الثالث: الخاء و الدال و الذال

جزء الرابع: الراء

جزء الخامس: الزاي و السين و الشين

جزء السادس: الصاد و الضاد و الطاء و الظاء و العين

جزء السابع: بقية العين و حرف الغين

جزء الثامن: الفاء و القاف

جزء التاسع: الكاف و اللام

جزء العاشر: الميم و النون و الواو و الهاء و الياء

در این کتاب هر حرفی به نام باب نامگذاری شده است و فقط به فاء الفعل کلمات توجه شده است و در ذیل هر باب نیز ترتیب مشخصی منظور نشده است. بنابراین در باب الالف همه کلماتی که فاء الفعل آنها الف (همزه) است بدون هیچ گونه ترتیبی گرد آمده اند و از کلمه «الأوق» آغاز شده و سپس کلمات «الألب» و «المأفول» و «الأفيق» و «الأزوح» و «المأموم» تا آخرین کلمه که «الإدة» است پایان می یابد.

در باب الباء نیز همینطور است که کلمات «البهرة» و «البركة» و «اليسيل» و «البدغ» تا آخر ذکر می شوند و تا آخر کتاب اینگونه است. البته روشن است که یافتن کلمه در این کتاب نسبت به کتب دیگر که حروف عین الفعل و لام الفعل را نیز مد نظر قرار می دهند، نیازمند صرف وقت بیشتری خواهد بود. ضمن اینکه اشتقاقیات کلمه در آن ذکر نشده است.

مقایس اللغة: کتاب مقایس اللغة اثر ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا (متوفی ۳۹۵ ه.ق) است که در قرن چهارم هجری تألیف شده است. ابن فارس دو کتاب لغوی دارد که یکی «المجمل» و دیگری «مقایس اللغة» است و هر دو کتاب را بر اساس نظم خاصی تنظیم نموده است. کتاب مقایس اللغة به جهت اینکه از تعداد کلمات بیشتری برخوردار است مورد توجه لغویون واقع شد و کتاب المجمل متروک ماند.

در مقایس اللغة کلمات بر اساس فاء الفعل و سپس حرفی که در ترتیب حروف همجایی

۳. به عین الفعل کلمه توجه کرده و جایگاه آن حرف در ترتیب حروف هجایی شناخته شده و به میزان قرب و بُعد آن حرف به فاء الفعل در ترتیب مذکور [که از بعد از فاء الفعل شروع شده تا به قبل آن برسد] آن را در کتاب مربوط جست‌وجو می‌کنیم.

۲) براساس فاء الفعل و عین الفعل: در برخی معاجم ترتیب فاء الفعل و عین الفعل براساس حروف هجا لحاظ شده است. یکی از معاجمی که چنین روشی را برگزیده است. کتاب «النهاية في غريب الحديث و الأثر» نوشته ابن اثیر (۶۰۶-۵۴۴ هـ. ق) است که در نیمه دوم قرن ششم هجری قمری به رشته تحریر درآمده است.

در این کتاب علاوه بر آنکه معنی کلمات بیان شده است، مؤلف تلاش می‌کند یک یا چند روایت حاوی کلمه مورد بحث را به عنوان شاهد مثال بیاورد مگر آنکه روایتی موجود نباشد. نحوه تنظیم این معجم بر مبنای ترتیب حروف هجا و بر اساس فاء الفعل و عین الفعل است که به صورت زیر چینش شده است.

باب الهمزة مع الناء - باب الهمزة مع الثاء - ... - باب الهمزة مع الياء.
باب الباء مع الهمزة - باب الباء مع الثاء - ... - باب الباء مع الياء.
باب الياء مع الهمزة - باب الياء مع الباء - ... - باب الياء مع الياء.

روش کشف کلمه: برای کشف کلمه مورد نظر در این معجم ابتدا حروف اصلی را شناسایی نموده سپس بر اساس فاء الفعل به همان باب مراجعه می‌نماییم. سپس در آن باب بر مبنای عین الفعل کلمه، جایگاه آن را می‌یابیم یعنی اگر عین الفعل حرف میم باشد به باب الشين مع الميم می‌رویم و آنجا کلمه را پیدا کرده و معنایش را می‌یابیم.

۳) براساس فاء الفعل - عین الفعل - لام الفعل: این شیوه کامل‌ترین نوع ترتیب طبیعی کلمات است، به همین جهت بیشتر معاجم عربی بر اساس این شیوه تنظیم شده‌اند. کشف کلمات در این شیوه آسان‌تر و سریع‌تر از شیوه‌های دیگر است و امروزه رایج‌ترین شیوه به حساب می‌آید. از دیرباز این شیوه مورد توجه لغویون بوده است که به برخی از معاجم مشهور از گذشته تا اکنون اشاره می‌کنیم.

اساس البلاغة: کتاب اساس البلاغة نوشته ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (۵۳۸-۴۶۷ هـ. ق)

در نیمه اول قرن ششم هجری تألیف شده است. در این کتاب، کلمات عربی بر مبنای حروف اصلی و طبق ترتیب حروف هجا بر اساس فاء الفعل سپس عین الفعل و آنگاه

لام الفعل تنظیم شده‌اند. بر این اساس کتاب به تعداد حروف الفبا به ابواب تقسیم می‌گردد و ذیل ابواب نیز فرقی بین ثنائی، ثلاثی و رباعی و صحیح و معتل نیست، بلکه تنها ترتیب حروف الفبا ملاک است.

روش کشف: برای کشف کلمه در این کتاب ابتدا حروف اصلی را به دست آورده و آنگاه با توجه به فاء الفعل به باب مربوط مراجعه می‌کنیم. سپس در آن باب بر اساس عین الفعل محدوده کلمه را پیدا کرده و پس از آن بر مبنای لام الفعل، خود کلمه را می‌یابیم. به عنوان مثال کلمه «جَزَزَ» در باب الجیم بخش راء و با لام الفعل راء دیده می‌شود و کلمه «قَوَام» در باب القاف و عین الفعل واو و لام الفعل میم قرار دارد. بنابراین آغاز معجم با کلمه «أبب» و پایان آن کلمه «یهم» خواهد بود.

مصباح المنیر: کتاب مصباح المنیر تألیف احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی متوفای ۷۷۰ هجری قمری است که حدود دو بیست سال پس از اساس البلاغه تدوین شده است. کلمات عربی در این کتاب مثل اساس البلاغه بر اساس حروف هجا و بر مبنای حروف اصلی و با ملاک فاء الفعل - عین الفعل - لام الفعل تنظیم شده‌اند. بنابراین اگر بخواهیم کلمه «مخلص» را در آن پیدا کنیم به کتاب الخاء و سپس عین الفعل لام و آنگاه لام الفعل صاد توجه می‌کنیم.

مجمع البحرین: کتاب مجمع البحرین نوشته فخر الدین طریحی متوفای ۱۰۸۵ ه. ق بر اساس حروف هجا و حروف اصلی کلمات با ترتیب فاء الفعل، عین الفعل، لام الفعل تنظیم شده است و به تعداد حروف الفبا، کتاب دارد و ذیل هر کتاب هم ابواب قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در این کتاب دو حرف همزه و الف در یک باب قرار گرفته‌اند. طریقه کشف کلمات در آن نیز مثل اساس البلاغه و مصباح المنیر است یعنی اگر بخواهیم کلمه «دین» را بیابیم، به کتاب الدال و باب الیاء مراجعه کرده و آن را شناسایی می‌کنیم. یکی از خصوصیات این کتاب آن است که علاوه بر کلمه اصلی، مشتقات آن نیز ذکر شده است.

معجم الوسیط: این کتاب از سوی جمعی از لغویین معاصر عضو مجمع اللغة العربیة در سال ۱۹۳۲ میلادی به شیوه اساس البلاغه زمخشری تنظیم شده است. با این تفاوت که کلمات جدید بیشتری دارد و در هر موردی که آغاز می‌کند، ابتدا حرف، سپس افعال و آنگاه اسماء مشتق از آن را می‌آورد و در بخش افعال نیز مجرد را بر مزید و معنی حسی را بر معنی

عقلی و معنی حقیقی را بر معنی مجازی و نیز فعل لازم را بر متعدی و ثلاثی را بر رباعی مقدم می‌دارد. علاوه بر آنکه علائم اختصاری ویژه‌ای به شرح زیر را به خدمت می‌گیرد.

(ج برای جمع) و (س) برای علامت عین الفعل مضارع) و (و - تکرار کلمه در معنی جدید) و (مو نشانه لفظی که در قدیم و عصر روایت به کار رفته است) و (مع برای لفظ معرب) و (د لفظی که بدون تغییر در زبان عربی داخل شده است) و (مج لفظی که مجمع اللغة العربیه آن را ساخته و قرار داد نموده است).

اقرب الموارد: کتاب اقرب الموارد با تلاش سعید الخوری الشرتونی اللبنانی لغوی معاصر به رشته تحریر درآمده است و شیوه آن همان شیوه کتب یاد شده در این بخش است. یکی از خصوصیات این کتاب آن است که علاوه بر بیان معانی لغوی کلمات که در بین عموم عرب زبانها رواج دارد، به اصطلاحات علمی و کلمه‌های جدید و اعلام نیز اشاره می‌کند. به همین جهت ذیل هر حرفی که به عنوان ابواب کتاب محسوب می‌شوند، دو بخش آورده می‌شود، مثلاً در حرف باء دو باب وجود دارد یک باب الباء که معانی کلمات در آن آورده می‌شود و دیگری باب الباء من الذیل که اصطلاحات و کلمات جدید و اعلام در آن ذکر می‌گردد.

المنجد فی اللغة و الأعلام: این کتاب در دوران معاصر از سوی یک مؤسسه لبنانی تنظیم و چاپ شده است که دو بخش لغت و اعلام دارد و کلمات در هر بخش نیز براساس حروف اصلی و با ترتیب مذکور شبیه معجم الوسیط تنظیم شده‌اند علاوه اینکه از رموز اختصاری نیز بهره گرفته و گاهی در حد فاصل بعضی کلمات، صفحاتی را به تصاویر اختصاص داده است.

ترتیب القاموس، و لسان العرب: کتابهای قاموس المحيط و لسان العرب دو کتاب لغوی با اعتبار هستند که شیوه غیر طبیعی در آنها به کار رفته است، لکن به جهت اعتباری که از نظر لغوی دارند برخی مؤسسات کلمات آنها را از شیوه مورد نظر مؤلف برگردانده و به شیوه ترتیبی رایج تنظیم نموده‌اند، از جمله اینکه الطاهر احمد الزاوی مفتی جمهوری عربی لیبی در سال ۱۳۷۸ ه. ق کتاب قاموس المحيط فیروزآبادی را بر اساس مصباح المنیر و اساس البلاغه تنظیم کرده و با نام «ترتیب القاموس المحيط علی طريقة المصباح المنیر و اساس البلاغه» به چاپ رسانده است. و نیز علی شیری در بیروت، کتاب لسان العرب ابن

منظور را نیز به شیوه ترتیب رایج تنظیم نموده و دار احیاء التراث العربی بیروت آن را چاپ نموده است.

دوم. ترتیب غیر طبیعی:

منظور از ترتیب غیر طبیعی آن است که ترتیب حروف اصلی کلمه رعایت نمی‌شود بلکه جهت عکس آن مدنظر قرار می‌گیرد؛ بدین صورت که لام الفعل مبنا قرار گرفته و پس از آن به فاء الفعل و در پاره‌ای موارد بعد از آن به عین الفعل نیز توجه می‌شود، معاجمی که از این شیوه پیروی می‌کنند به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱) لام الفعل و فاء الفعل با تقلیب: در این شیوه علاوه بر اینکه ترتیب حروف هجا با توجه به حروف اصلی کلمه لحاظ می‌شود، چینش کلمات بر اساس محوریت لام الفعل و سپس فاء الفعل همراه با جابجایی حروف اصلی کلمه با حالت‌های مختلف (تقلیب) و توجه به کلمات پدید آمده نظیر کتاب العین خلیل صورت می‌گیرد. یکی از معجم‌های معروف که به این شیوه تنظیم شده است جمهرة اللغة است.

جمهرة اللغة: کتاب جمهرة اللغة اثر ابوبکر محمد بن الحسن الازدی البصری (متوفای ۳۲۱ ه. ق) معروف به «ابن دُرید» است که بر اساس ترتیب حروف هجایی و با ملاک حروف اصلی کلمه و محوریت لام الفعل و سپس فاء الفعل تنظیم شده است. مجموعه کتاب جمهرة اللغة در ده باب به صورت زیر چینش شده است.

۱. ابواب ثنائی صحیح مدغم (مضاعف)؛ ۲. ابواب ثنائی متکرر ملحق به رباعی؛ ۳. باب الهمزة با حروفی که بر سر آن می‌آیند همراه با تکرار مثل باباً - تأتأ و...؛ ۴. باب الهمزة همراه با حروف معتل نظیر باوی - تاوی و...؛ ۵. ابواب ثلاثی صحیح با تقلیبات؛ ۶. ابواب ثلاثی که دو حرف تکراری دارند؛ ۷. ابواب ثلاثی معتل؛ ۸. باب نوادر؛ ۹. ابواب رباعی؛ ۱۰. ابواب لقیف.

در ابواب ثنائی صحیح مدغم کلمات طبق حروف هجا به صورت زیر تنظیم شده‌اند.
 أَبٌ - أَتٌ - أَثٌ - - بَتٌّ - بَجٌّ - - و همینطور تا ویّ.
 کلمات در ابواب ثنائی ملحق به بناء رباعی که در اصطلاح آنها را مضاعف رباعی می‌نامند بر اساس ترتیب حروف هجا به شکل زیر آمده‌اند.

بُبَّتٌ - بُبَّتٌ - بَجَجَجٌ - - تَخَخَخٌ - تَخَخَخٌ - و همینطور تا هَيْهَيْهَيْ.

در ابواب ثلاثی صحیح ضمن اینکه ترتیب حروف هجاریت شده و لام الفعل نقش محوری دارد. هر کلمه‌ای که مبنا قرار گرفته و معنا می‌شود به دنبالش کلمات دیگری که با جابجایی حروف همان کلمه به دست می‌آیند (تقلیبات) ذکر شده و معنا می‌شوند، نظیر کاری که خلیل در کتاب العین انجام داده است.

در ابواب ثلاثی متکرر که دو حرف آن از یک جنس است به یکی از سه صورت خواهد بود.

الف - کلماتی که در عین الفعل و لام الفعل مشترکند.

ب - کلماتی که در فاء الفعل و عین الفعل مشترکند.

ج - کلماتی که در فاء الفعل و لام الفعل مشترکند.

بعد از ذکر کلمه در هر یک از سه وضعیت فوق و بیان معنای آن، کلماتی که از تقلیب آن

(جابجایی حروف) کاربرد دارند ذکر شده و معنا می‌شوند.

روش کشف: برای شناخت جایگاه کلمه در جمهرة اللغة ابتدا حروف اصلی را شناسایی نموده و سپس تشخیص می‌دهیم که در کدامیک از ابواب ده‌گانه جای دارد آنگاه در آن باب بر اساس ترتیب حروف هجا و محوریت لام الفعل و سپس فاء الفعل کلمه را جست‌وجو می‌کنیم. البته باید توجه داشت بعد از تشخیص لام الفعل، در مرحله تشخیص فاء الفعل مبنا این است که فاء الفعل در ترتیب حروف هجایی بعد از جایگاه لام الفعل باشد. به عنوان مثال اگر به باب الدال مراجعه کنیم حروف قبل از دال در ترتیب هجایی به عنوان فاء الفعل مد نظر قرار نمی‌گیرند یعنی در آنجا باب الدال مع الهمزة و باب الدال مع الباء و باب الدال مع التاء و... وجود ندارد بلکه فاء الفعل را از حرفی آغاز می‌کند در ترتیب هجایی بعد از دال قرار دارد بدین صورت که از باب الدال مع الذال و باب الدال مع الراء شروع شده و به باب الدال مع الیاء ختم می‌شود.

۲) لام الفعل - فاء الفعل - عین الفعل: تعدادی از معجم‌های عربی در ترتیب غیر طبیعی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که ضمن رعایت ترتیب حروف هجا و حروف اصلی کلمه، محوریت به ترتیب با لام الفعل و سپس فاء الفعل و آنگاه عین الفعل است. برخی از مشهورترین این معاجم را معرفی می‌کنیم.

الصحاح: کتاب الصحاح که به صحاح اللغة نیز شهرت دارد اثر اسماعیل بن حماد الجوهری (۳۹۵ - ۳۳۲ ه. ق) است که در قرن چهارم هجری در نیشابور آن را تألیف نمود.

این کتاب بر اساس ترتیب حروف هجایی و بر مبنای حروف اصلی کلمات و با محوریت لام الفعل و سپس فاء الفعل و آنگاه عین الفعل تنظیم شده است، بدین صورت که معجم برابر تعداد حروف هجا به ۲۸ باب تقسیم شده است و هر باب حاوی کلماتی است که لام الفعل آنها همان حرف است. آنگاه در هر باب به تعداد حروف هجا بر مبنای فاء الفعل، فصول ذکر شده‌اند و هر فصل نشان دهنده کلماتی است که در ذیل آن باب، فاء الفعلشان همان حرف خواهد بود و در چینش کلمات ذیل هر فصل هم محوریت با عین الفعل به ترتیب حروف هجا از آغاز تا پایان خواهد بود به این ترتیب کلمات رباعی و خماسی بعد از ثلاثی قرار می‌گیرند.

روش کشف: برای شناسایی هر کلمه در الصحاح ابتدا حروف اصلی را به دست می‌آوریم سپس با نظر به لام الفعل بر اساس ترتیب حروف هجا به باب مربوط مراجعه کرده و در آنجا با توجه به فاء الفعل بر اساس ترتیب حروف هجا از آغاز تا پایان به فصل مربوط روی می‌آوریم و در آن فصل نیز با توجه به عین الفعل بر اساس ترتیب حروف هجا از آغاز تا پایان، جایگاه کلمه را شناسایی می‌کنیم. بنابراین هر گاه بخواهیم کلمه «بسط» را معنایابی کنیم به باب الطاء و فصل الباء مراجعه می‌کنیم.

القاموس المحيط: کتاب القاموس المحيط اثر مجد الدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفای ۷۲۹ هـ. ق است که سالها بعد از جوهری با تأسی به شیوه او در الصحاح آن را تنظیم نموده است. در این کتاب بابها نماینده لام الفعل کلمات و فصلها نشان دهنده فاء الفعل کلماتند، به عنوان مثال برای کشف کلمه «صالح» نظر به اینکه حروف اصلی آن (ص-ل-ح) است به باب الحاء و فصل الصاد مراجعه می‌کنیم. نکته قابل تذکر اینکه امروزه بعضی از مؤسسات این کتاب را به شیوه ترتیب طبیعی تنظیم نموده‌اند که قبلاً بیان شد.

لسان العرب: کتاب لسان العرب اثر جمال الدین ابی الفضل محمد بن مکرم (۷۱۱-۶۳۰ هـ. ق) است که به جهت انتساب به جد هفتم خود به این منظور شهرت دارد و کمتر از پنجاه سال بعد از فیروزآبادی صاحب القاموس المحيط، آن را به رشته تحریر درآورده است. لسان العرب هم بر اساس شیوه الصحاح و القاموس عمل نموده و مطابق آنها کلمات را چینش نموده است. نکته قابل تذکر اینکه بعضی مراکز تحقیقاتی امروزه آن را به شیوه ترتیب طبیعی تنظیم نموده و منتشر کرده‌اند که قبلاً یادآور شدیم.

۲. بر مبنای تلفظ کلمات

برخی از معاصرین با وقوف به این مطلب که ناآشنایان به قواعد و اصول زبان عربی توانایی بهره‌گیری از معاجم عربی را ندارند و از سویی به فهم کلمات عربی نیاز دارند، تلاش نموده‌اند آن دسته از کلمات عربی را که از کاربرد بیشتری برخوردارند، در قالب تلفظ کلمات و بر مبنای ترتیب حروف هجا تنظیم نمایند. یک نمونه از این نوع معاجم، «المنجد الابیجی» است.

در این معجم کلمات بر اساس ترتیب حروف هجا و ترتیب حروف کلمات در تلفظ بدون توجه به حروف اصلی تنظیم شده‌اند، یعنی برای شناسایی هر کلمه همان‌گونه که تلفظ می‌شود آن را شناسایی می‌کنیم. به عنوان مثال برای شناسایی کلمه «دَجَال» ابتدا به حرف دال و سپس ذیل آن به حرف جیم و در ذیل آن نیز به حرف الف و سپس در ذیل آن به حرف لام مراجعه می‌کنیم و کلمه را می‌یابیم این روش مطابق روش کلمه یابی در فرهنگ‌های لغت فارسی است.

البته باید توجه داشت که به جهت کثرت کلمات عربی در چنین معجم‌هایی اشتقاق افعال ذکر نمی‌شوند بلکه فقط به مصدر بسنده می‌گردد.

در پایان یادآور می‌شویم آنچه در این مقال گفته آمد ذکر پاره‌ای از روشهای معاجم است که امروزه کاربرد بیشتری دارند و بررسی همه روشها که بخشی از آنها نیز در دوران ما متروک مانده‌اند در حوصله این مقال نمی‌گنجد و مجال بیشتری می‌طلبد. امید آن داریم مطالب پیش گفته که کلید شناسایی و فهم کلمات عربی است مقبول پژوهشگران قرار گیرد و برای استفاده از منابع و متون راهگشا باشد.